

موضع فربیکارانه چپ ایران در قبال اتحادیه های کارگری کنونی

اصلا فاطمی

در هفته های اخیر، با مشاهده مکرر نامه های رؤسای کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و کنگره کار کانادا به مقامات جمهوری بورژوازی اسلامی در سایتهای چپ ایرانی برآن شدم گوشه ای از عملکرد این تشکیلات ها را نشان دهم. بدین منظور، سخنرانی یکی از روسا و عضو هیات مدیره اتحادیه های بین المللی آزاد کارگری را در کنفرانسی که با هدف نحوه سرمایه گذاری و جوه بازنشستگی کارگران ترتیب یافته بود، ترجمه کردم تا عملکرد آنها به گوش کسانی که جوای حقیقت هستند برسد. قبل از ارسال این ترجمه کاملا بر این امر واقف بودم که همین گوشه کوچکی از واقعیات میتواند کینه توزی کسانی را که این حقایق منفعت امروز و فردایشان را بخطر اندازد، تحریک کند. همانطور که پیش بینی میشد این ترجمه از سوی کسانی که خود از سانسور رژیم مینالند، مورد سانسور قرار گرفت. از میان 11 سایت که گردانندگان آنها خود را چپ، طرفدار، نماینده و رهبر کارگران میدانند، تنها چهار سایت آشتی و بروسکه و کمونیستهای انقلابی و گفتگوهای زندان آنها منعکس کردند و بقیه بی سروصدا آنها را به بایگانی سپردند تا وجدان طبقاتیشان آرامش یابد.

پس از پیگیری مجدد، سایت اخبار روز خبر داد که ما مطالبی را منعکس میکنیم که فقط و فقط به سایت ما فرستاده شود. سایت گفتگوهای زندان با ارسال ایمیلی خواست که نام مترجم را بر آن افزوده دوباره بفرستم که باوجود انجام اینکار درج آنها پشت گوش انداخت. اما بقیه برای خفه کردن صدای مزاحم خم برابر نیاروده و سکوت کردند. جالب اینجاست که این سایتهای بدون هیچ دغدغه ای بی ارزش ترین و پیش و پافتاده ترین کالاهای بنجل را در سایتهای خود میگنجانند. قبل از اینکه اسامی این سایتهای را اینجا بیاورم، یقینا میدانم که اینها تلاش خواهند کرد که کسی از وجود این صدا و صداهای مزاحم خبردار نشود. اسامی این سایتهای عبارتند از 1- افق روشن 2- جنبش کارگری 3- خانه کارگر آزاد 4- اندیشه و پیکار 5- سایت کارگران ایران 6- حزب کمونیست ایران 7- سایت روشنگری

برای اینکه ماهیت و موضع طبقاتی همه کسانی که در طی چند سال اخیر به امامزاده اتحادیه های آزاد کارگری دخیل بسته اند روشن شود، اینجا بطور بسیار فشرده به معرفی آقای گای رایدن رییس این اتحادیه بین المللی آزاد کارگری و کن جورجی رییس کنگره کار کانادا که نامه هایشان زینت بخش این سایتهای ست اکتفا میکنم.

گای رایدن از سال 1981 تا 1985 به عنوان دستیار بخش بین المللی کنگره اتحادیه های انگلیس و بین سالهای 1985 تا 1988 در پست منشی فدراسیون بین المللی مستخدمین تجاری، دفتری، حرفه ای و فنی مشغول بکار بود. از سال 1988 تا 1998 وی دستیار مدیر آی-سی. اف. تی. یو در دفتر ژنو انجام وظیفه میکرد. رایدن در این سالها در عین حال نماینده کارگران در سازمان جهانی کار بود. وی در مارس 1999 به عنوان رییس دفتر و مشاور ویژه رییس سازمان جهانی کار فعلی (هوان سوموایا) شروع به کار کرد. رایدن پس از یک نشست فوق العاده که در آن بیل جوردون از ریاست اتحادیه های آزاد بین المللی

کارگری استعفا داد به جای وی منصوب گردید. پس از انتصاب رایدر به این سمت، وزیر کار آلمان اولین کسی بود که با ارسال نامه و تبریک وی به این مقام برای وی در همکاری با سرمایه های بین المللی آرزوی موفقیت کرد. جالب توجه اینکه آقای بیل جوردون رییس سابق اتحادیه های آزاد بین المللی در سال 2001 بخاطر خدمات ارزنده به سرمایه داری جهانی بویژه سرمایه های انگلیسی به مجلس اعیان این کشور راه یافت. وی در دوران تاچر، در جریان اعتصاب بزرگ معدنچیان انگلیس با کارشکنی در آن اعتصاب و خالی کردن پشت اعضای اتحادیه برق انگلستان که خواهان حمایت از این اعتصاب بودند، خدمت بزرگی به دولت محافظه کار انگلیس نمود. کسانیکه تحولات این نوع تشکل ها را تعقیب کرده اند، میدانند که همین اتحادیه بین المللی با کنفدراسیون جهانی کار که قبل از فروپاشی اقماری شوروی در خدمت سرمایه های روسی و اروپای شرقی بودند در آخرین کنگره خود در هم ادغام گردیدند و مجدداً آقای گای رایدر را در راس این سازمان بین المللی قرار دادند تا این بار همه کارگران دنیا را فارغ از رقابتهای سابق به مسلخ سرمایه جهانی هدایت کنند. اگر از جلسات و مذاکرات و رهنمود های آقای رایدر به صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی و بکارگیری سرمایه های کارگران در بانکها و شرکتهای چند ملیتی نوشته شود باید صفحات زیادی را سیاه نمود. در انتهای این نوشته با یکی از همکاران نزدیک آقای رایدر که مبتکر استفاده از وجوه بازنشستگی و سرمایه گذاری در شرکتهای فراملیتی است بیشتر آشنا خواهید شد.

اما رییس کنگره کار کانادا کیست؟ کن جورجنتی فعالیت اتحادیه ای خود را با اتحادیه فولاد امریکا شروع کرد و در مدت کوتاهی در سال 1984 به معاونت ریاست فدراسیون کار بریتیش کلمبیا انتخاب گردید و بعد از دو سال به ریاست این فدراسیون دست یافت. وی در می 1999 در بیست و دومین کنگره کار کانادا به ریاست آن انتخاب گردید. جورجنتی راه صعود خود را در سلسله مراتب اتحادیه های کانادا از اواخر دهه 1980 هموار نمود. در آن سالها بیل کلارک رییس اتحادیه ارتباطات، با سرمایه اولیه 30 میلیون دلاری از وجوه پس انداز های بازنشستگی اعضای اتحادیه های ایالت بریتیش کلمبیا کانادا، شرکت **املاک کنسرت** را تاسیس نمود که آقای جورجنتی نقش عمده ای در این رابطه ایفا کرد. این شرکت ساختمان سازی در سال 2000، 450 میلیون دلار سرمایه و دارایی داشت. این شرکت بین سالهای 1989 تا 1999 حدود هشتاد درصد خانه های اجاره ای ونکوور را ساخته است. از 19 نفر عضو هیئت مدیره این شرکت 17 نفر آنرا روسا و خزانه داران فعلی و سابق اتحادیه های کارگری کانادا تشکیل میدهند. برای احتراز از طولانی شدن نوشته-متأسفانه ما ایرانیان کمتر حوصله خواندن داریم- فقط اسامی چند تن از آنان را این جا ذکر میکنم. 1- کن جورجنتی، رییس کنگره کار کانادا (نماینده بزرگترین سازمان کارگری کانادا با 3 میلیون عضو) 2- جک آلارد، خزانه دار بازنشسته اتحادیه کارگران مواد غذایی و تجاری لوکال 1518. 3- رندی اسمیت، رییس اتحادیه نجاران لوکال 1995. 4- دان مکگیل، منشی- خزانه دار رانندگان کامیون. 5- آنتونی تنسی، رییس بازنشسته اتحادیه مهندسین لوکال 115

این شرکت در ابتدای تاسیس خود قرار بود خانه هایی با قیمت نسبتاً مناسب بسازد ولی پس از اتمام چند پروژه مشخص گردید که قیمت خانه ها بالاتر از خانه های مشابه در همان مناطق میباشد. آقای جورجنتی در عین داشتن پست ریاست کنگره کار کانادا در کمیته ها و هیات مدیره موسسات مختلف از جمله صندوق فرصتهای شغلی و کمیته رهبری برگزاری المپیک زمستانی 2010 ونکوور فعال است. اغلب اعضای این کمیته سیاستمداران و سرمایه داران بزرگ ایالت بریتیش کلمبیا هستند. آقای جورجنتی حتی علیرغم

مخالفت اتحادیه خدمات عمومی در این ایالت مشوق خصوصی سازیها میباشد. اما برای اینکه آقای جورجی را بهتر بشناسیم، بهتر است به مصاحبه وی با روزنامه سان و نکوور در تاریخ 14 می سال 1988 مراجعه کنیم. وی در جواب سوال خبرنگار این روزنامه در رابطه با شرکت ساختمانی کنسرت میگوید:

" این همان طرز برخورد قدیمی است که اگر شما به نیروی کار یا سوسیال دموکراسی باور داشته باشید، حتما باید علیه سرمایه یا سود باشید. ما میتوانیم درآمد وجوه بازنشستگی را برای ایجاد مشاغل- مشاغل اتحادیه ای مورد استفاده قرار دهیم، مشاغلی که نرخ عادلانه ای (منظور دستمزد است) بپردازد و سود عادلانه (بخوان ارزش اضافه) ایجاد کند. ما میتوانیم سود کسب کنیم... اما بدون استثمار مردم."

اتحادیه های کارگری جهان و سرمایه کارگران

ترجمه: اصلان فاطمی

بیوگرافی ج. جنینگز دبیر اتحادیه بین المللی ارتباطات

فیلیپ ج. جنینگز در سال 2000، دبیر تازه ترین اتحادیه بین المللی ارتباطات شد. اتحادیه بین المللی ارتباطات روز اول ژانویه سال 2000 از ادغام چهار اتحادیه بین المللی یعنی فدراسیون بین المللی تجاری، دفتری، حرفه ای (اف.آی.ای.تی)، ارتباطات بین المللی (سی.آی)، فدراسیون بین المللی گرافیک (آی.جی.اف) و اتحادیه رسانه و سرگرمی بین المللی تاسیس شد. اتحادیه بین المللی ارتباطات دارای 15 میلیون عضو از 150 کشور است که 1000 شعبه محلی در سراسر جهان دارد.

ادغام آ.ا.ا.ل. تایم وارنر پس از مدت کوتاهی از شکل گیری اتحادیه بین المللی ارتباطات با ویوندی یونیورسال در همان سال نشان داد که چگونه شرکای اتحادیه بین المللی ارتباطات تغییراتی را در جهت همگرایی بوجود آورد. این تغییرات سبب رشدیابنده ای بر ساختار این بنگاههای مالی گردید.

در یک اقتصاد جهانی که با ادغام منطقه ای مشخص شده، در آن سرمایه های چند ملیتی غلبه داشته و از طریق تکنولوژی بهم وصل شده است، اتحادیه بین المللی ارتباطات یک ساختار جهانی، منطقه ای و رشته ای دارد. با 200 قرارداد با شرکتهای چندملیتی، اتحادیه بین المللی ارتباطات همکاری اتحادیه ای با این شرکتهای چند ملیتی را توسعه خواهد داد.

هدف اتحادیه بین المللی ارتباطات این است که اعضای اتحادیه بازیگران جهانی باشند. اتحادیه ارتباطات یک شبکه جهانی تکنولوژی اطلاعاتی دارد. اکنون اتحادیه ارتباطات تحت رهبری خود، سیاستهای تازه اتحادیه ای برای اقتصاد تازه پدیدار شده طرح میکند که شامل تقارب- همگرایی، تمرکز، مقررات، سیاست استخدامی، حقوق تازه برای مردم کارکن و رابط بودن بین طرفین میباشد.

فیلیپ ج. جنینگز در سال 1980 پس از یک دوره 4 ساله در اتحادیه بانکی و بیمه در پادشاهی انگلیس به جرگه هیأت اف.آی.ای.تی مستقر در ژنو پیوست. او در سال 1989 دبیر اول اف.آی.ای.تی شد و دوباره در کنفرانس جهانی در سانفرانسیسکو در 1991 و باز در سال 1995 در وین و برای بار چهارم در سیدنی در این مقام ابقا یافت.

فیلیپ ج. جنینگز عضو هیأت مدیره آی.سی.اف.تی.یو، عضو کمیته اجرایی اتحادیه های انگلستان و عضو موسسه اعتباری شورای تقدمهای اقتصادی است. فیلیپ فوق لیسانس علوم در ارتباطات صنعتی از داشکده اقتصاد را داراست. وی در سال 1953 در ولز پادشاهی انگلستان دنیا آمده است و متاهل دارای دو فرزند است.

کنفرانس سهام عادلانه اتحادیه های کارگری انگلستان

فیلیپ جنینگز: "راهی که اتحادیه های کارگری برای تاکید و توسعه نقش سرمایه کارگران در سرمایه گذاری بنگاهها جستجو میکنند".

اغلب کارگران صاحب دارایی های زیادی نظیر پس اندازها، پول بیمه ها، سهام فردی یا سهام استخدامی هستند- اما بزرگترین این داراییها پس انداز های بازنشستگی آنهاست.

طریقی که آنها برای سرمایه گذاری این داراییها انتخاب میکنند، و برخوردی که در رابطه با سهامی که صاحب هستند میکنند، در رفتار و عملکرد این کمپانیها در سطح جهان و بطور کلی مسؤولیت اجتماعی این کمپانیها معنی و مفهوم پیدا میکند.

علیرغم سقوط ارزش سهام در سه سال اخیر، تخمین زده میشود که داراییها در این وجوه مقرری های متعدد، امروز در سطح جهان به 11 تریلیون بالغ میشود(1). بخش عظیمی از این سرمایه در سهام کمپانیها سرمایه گذاری شده است. در سالهای اخیر، این گرایش توسط وجوه بازنشستگی در انگلستان، علیرغم بعضی مخالفتهای قابل فهم نسبت به این سهام هدایت شده است، حداقل دوسوم داراییهای وجوه بازنشستگی بطور تیبیک در این سرمایه گذاریها با سود نامحدود جا گرفته اند.

در بعضی از سایر کشورها، تنظیم کنندگان وجوه بازنشستگی، محدودیتهای این وجوه را برطرف میکنند، رفع این محدودیتهای تنها در زمینه سرمایه گذاری این وجوه در سهام با بهره نامحدود نیست، بلکه شامل سرمایه گذاریهای این سهام در خارج نیز میشود(2). در نتیجه، سرشت فرامرزی این وجوه بازنشستگی در حال رشد است(3). پس، با احتساب استثنائاتی، بازار های سهام بدرجاتی کم و بیش در تملک خارجیان است. اغلب این مالکین خارجی خودشان صاحبان وجوه بازنشستگی خارجی خواهند بود، وجوهی که از پس انداز های بازنشستگی کارگران تشکیل میشود(4). در حقیقت تخمین زده میشود که در مجموع، داراییهای وجوه بازنشستگی تقریباً یک سوم مجموع سرمایه جهانی را به خود اختصاص میدهند.

متاسفانه، همچنانکه همه ما واقفیم، کسانی که این وجوه را اداره میکنند اغلب دنبال این هستند که در مدت کوتاهی سود بیشتری بدست آورده و تعهد خود را در قبال صاحبان این وجوه نشان دهند. این برخورد کوتاه مدت از سوی مدیران این سرمایه گذارها، میتواند بر روی کمپانیهایی که دورنمای تعدیل، انتقال سرمایه به خارج، یا ادغام، یا اکتساب شایستگی سوال برانگیز دارند منجر به افزایش فشار شود. پس انداز های بازنشستگی ما در درجه اول علیه منافع کارگرنیکه این سرمایه گذارها را کرده اند بکار گرفته میشود(5) و اغلب علی العموم علیه منافع همه کارگران دنیا بکار گرفته میشود.

سرشت جهانی بازار های سرمایه بدین معنی است که معتمدینی که مسئولیت اداره این وجوه را به عهده دارند نه تنها باید سرمایه گذاری بین المللی را در نظر بگیرند، بلکه باید به این مساله توجه کنند که در کدام کمپانیها سرمایه گذاری کنند؛ چگونه کارکرد سرمایه های خود را ارزیابی و کنترل کنند. اگر حتی صندوقهای بازنشستگی سرمایه گذاری کمی در سطح بین المللی داشته باشند، باید مساله بین المللی را در نظر بگیرند زیرا کمپانیهای دیگر به احتمال زیاد داراییهای قابل ملاحظه ای در سطح جهانی دارند، کارگران خارجی استخدام میکنند، فروش خارجی دارند و یا از طرف ثالث خارجی کنترات میکنند.

در عمل، اغلب مدیران این وجوه مسایلی نظیر مسایل اجتماعی، محیط زیستی و اخلاقی را در ادراه آنها در نظر میگیرند. به عبارت دیگر، تصمیمات امروز سرمایه گذاری نه تنها مساله کسب سود و موازنه خطرات و مسئولیتهاست، بلکه همچنین اطمینان از کنترل خوب کمپانیها و بکارگیری سیاستهای مثبت اجتماعی در اداره آنان نیز از وظایف آنان است. برای مثال، آنها تاثیرات احتمالی رفتار کمپانیها و عوامل اجتماعی و محیط زیستی که بر سرمایه گذاران آنها تاثیر دارد را در نظر میگیرند. آنها فرصتها برای ارزش اضافه شده، خطرات لطمه خوردن اعتبار آنها، ارزش مارک و نشان آنها، و یا قوانین آینده را در نظر میگیرند. این بدین معنی است که کمپانیها هر جا که هستند، بخوبی اداره شده، به قوانین رسمیت یافته بین المللی احترام گذاشته شده و به صاحبان سهام خود در مورد فعالیتهای خود اطلاعات کافی دهند تا آنها در این مورد قضاوت کنند. و البته، همان اصول ابتدایی که بر سرمایه گذارهای داخلی حاکم است باید در مورد سرمایه گذارهای بین المللی نیز لازم الاجرا باشد.

یکی از اهداف جنبش اتحادیه ای، البته، نظارت بر قدرت و نفوذ سرمایه گذاری چند ملیتی است و، در نتیجه، یکی از چالشها در مقابل جنبش بین المللی در رابطه با سرمایه کارگران تشویق وجوه بازنشستگی به اتخاذ و ترویج "کارگر دوستانه" مالکیت بین سرمایه گذاران است.

همراه با بردن باربر، من جزو رهبرانی از 19 کشور با سیستم های وجوه بازنشستگی خصوصی بودم که نیاز و فرصت برای توسعه چنین اقدامی را تشخیص میدادم. ما چند سال قبل [نوامبر 1999 در استکهلم] تحت نظر و حمایت اتحادیه های بین المللی آزاد کارگری (آی.سی.اف.تی.یو)، قراربود برنامه ای برای همکاری بین المللی اتحادیه بر وجوه بازنشستگیها تهیه کنیم. [برنامه شامل تاسیس یک شبکه بین المللی اتحادیه بر وجوه بازنشستگیها و سرمایه گذاری آنها و کمک و تشویق همکاری اتحادیه های بین

المللی در زمینه ترویج پرنسپیهای "کارگر دوستانه" و رهنمود هایی برای سرمایه گذاری سرمایه های کارگران و تشویق و تبادل نظر بین این سرمایه ها و مدیران در مسایل بین المللی و ترویج بهترین عملکرد بر استراتژی وجوه بازنشستگیها، ساختار اداری، آموزش، و خدمات برای معتمدین این بنگاهها بود.

این برنامه بعد توسط هیات مدیره آی.سی.اف.تی.یو. و امروز توسط کمیته مشترک برای همکاری بین المللی بر سرمایه کارگران که از مراکز ملی اتحادیه های کارگری نظیر اتحادیه های انگلستان، فدراسیون جهانی اتحادیه نظیر اتحادیه بین المللی ارتباطات و کمیته مشورتی برای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بر روی آن برنامه کار میکنند تا رفتار شرکتها را تحت تاثیر قرار داده و بکارگیری استراتژیهای سرمایه را بوسیله وجوه بازنشستگی و مدیران سرمایه گذاری تشویق نمایند که این هر دو مقررات بازنشستگی را تقویت و سرمایه را در این زمینه امن کرده و در همان حال منافع عمومی کارگران را مورد حمایت قرار خواهد داد. کمیته بزودی صفحه الکترونیکی خود به نام سرمایه کارگران آنلاین را در سایت اتحادیه های بین المللی آزاد کارگری دایر خواهد کرد. قبلا یک فوروم اتحادیه های بین المللی در مورد سرمایه کارگران برای تبادل نظر در این زمینه از طریق پست الکترونیکی ایجاد شده است که میتوانید به آن ملحق شوید [جزئیات آن در بسته نمایندگان موجود است].

از همه مهمتر، چندین استراتژی قانونی وجود دارد که کارگران متشکل ممکن است بخواهند از این طریق یعنی سیاست کارگر- مالک- نظارت خود را بر سرمایه دنبال کنند. در انتهای این انتخابها، توسعه ابزارهایی برای سرمایه گذاریهای هدفمند با هدف بخصوص هدایت این سرمایه برای پرکردن خلاء های ناخواسته در بازار های سرمایه یا ایجاد مشاغل بخصوص یا حفظ مشاغل یا پروژه های اجتماعا مطلوب است. [دیوید لوی درباره تجربه موفق کانادایی در این زمینه با شما سخن خواهد گفت].

در انتهای دیگر این منظر سرمایه گذاری نکردن است- اما در این میان برای سرمایه گذاران اختیار غریبال کردن مثبت و منفی وجود دارد (که معیار های مختلف اجتماعی یا غریبال کردن پروسه سرمایه) و البته فعال سهامدار بودن که در آن کارگران به عنوان سهامداران میتوانند فعالانه از رای خود استفاده کرده و یا قطعنامه های مورد نظر خود را در نشست های سالانه کمپانی مورد حمایت قرار میدهند. در حقیقت اتحادیه های کارگری امریکا (منجمله اتحادیه های وابسته به اتحادیه بین المللی ارتباطات و اتحادیه خدمات) مالکیت فعال سهام را حداقل برای دو دهه مورد تشویق قرار میدهند و طی این مدت بزرگترین و تنها اسپانسر قطعنامه های سهامداران در امریکا در سالهای اخیر بوده اند(6). [فکر میکنم ما در رابطه با این فعالیتها از ملیسا مویه خواهیم شنید].

یکی از مثالهای اخیر همکاری اتحادیه های کارگری در مقیاس جهانی در سال 2000 اتفاق افتاد که ضمن آن یک کمپین مشترک بوسیله اتحادیه های امریکا، انگلستان و استرالیا حمایت قابل توجهی در نشست عمومی رنو تینتو (یک شرکت بین المللی معادن و فلزات) در رابطه با استقلال بعضی از روسای بنگاه و اتخاذ استاندارد های اصلی سازمان جهانی کار را کسب کرد. [قطعنامه 20/3 رای آورد که در مجموع 17/3 آرای سهامداران را بدست آورد].

تازه ترین قطعنامه که توسط فدراسیون کار امریکا و اعضای اتحادیه های بین المللی مربوط به عملکرد کمپانی نفت یونوکال در برمه بود که مجله وال استریت آنرا " یکی از بلندپروازانه ترین وکالت جهانی اعتراضی که تا کنون مطرح شده خواند" که در آن از کمپانی خواسته شد که استاندارد های کاری آی.ال.او را اجرا کند- قطعنامه در نشست سالانه 32/8 آرای صاحبان سهام را کسب کرد- بالاترین رای برای یک قطعنامه استاندارد های کار در آن زمان- و ما امیدواریم امسال در نشست سالانه حمایت بیشتری جلب خواهیم کرد.

البته، کسانی هم هستند که به معتمدین بنگاههای سهام و مدیران این وجوه توصیه میکنند که نسبت به این سهام روش اجتماعا مسئول اتخاذ کنند- در حقیقت سرمایه گذاری در هر چیز برای کسب بالاترین سود به نفع سودبرندگان بدترین نوع تخطی از وظایف امانتداری معتمدین است. اما این نوع سرمایه گذاری از شواهد رشدیابنده چشم پوشی میکند. پیشنهاد ما از نوع فعال بودن سهامداران که در بالا مورد اشاره قرار گرفت نشان میدهد که واقعا به ارزش و سود کمپانیها اضافه میکند، شواهد تجربی زیادی بطور قطع افسانه کم بازدهی را باطل نموده است. در حقیقت مطالعات زیادی نشان میدهد که، برخلاف تصورات اولیه، عملکرد خوب اجتماعی، با توجه به مساله محیط زیست و مسایل اخلاقی میتواند به بازدهی مالی(7) بهتر منجر شده و سرمایه گذاری اجتماعا مسئول بطور واقعی نتایج سهام را افزایش میدهد.

[نتیجه]

بطور مسلم ما تشخیص میدهیم که منفعت های اعضای وجوه بازنشستگی و وظایف امانتداری معتمدین باید در هر زمانی مساله اساسی ما باشد، اما سرمایه گذاری وجوه بازنشستگی بنا به تعریف سرمایه گذاریهای درازمدت هستند، و آنچه که برای منافع درازمدت بنگاه مفید باشد باید برای سرمایه گذاران وجوه بازنشستگی که در آن سرمایه گذاری کرده اند نیز مفید باشد.

رسوایی های اخیر شرکتهای بزرگ و علاقه شدید آنان برای اصلاح اداره این شرکتهای هر دو محرک و منطقی، اگر لازم باشد، برای اتحادیه هاست که موضوع مالکیت فعال برای وجوه بازنشستگی اعضایشان را در دستور کار خود قرار دهند.

و البته، اتحادیه های بین المللی این مساله را برسمیت میشناسند که هرگونه ابتکار عمل در درگیر کردن سرمایه های کارگران باید مکمل کار اتحادیه باشد و تناقضی با سایر فعالیتهای کاری از قبیل توسعه چانه زنی جمعی و تقویت اجرای مقررات دوجانبه کمپانی بوجود نیورد. ما بعلاوه میدانیم که فعال بودن سهامداران کارگر نمیتواند و نباید جایگزین مسئولیتهای اساسی دولتها که برای حمایت حقوق همه شهروندان و تشویق استاندارد های بین المللی مربوط به مسئولیتهای شرکتهاست بشود.

اما حجم داراییهای انباشت شده در وجوه بازنشستگی جهان بدین معنی است که کارگرانیکه مالک این داراییها هستند پتانسیل واقعی برای تحت تاثیر قراردادن رفتار کمپانیها را در مقیاس جهانی دارند. برای واقعیت بخشیدن به این پتانسیل ما به سازمان قابل ملاحظه، تلاش و منابع اتحادیه در سطح بین المللی،

ملی و محلی نیاز داریم که بتوانیم آموزش حرفه ای اعضای وجوه بازنشستگی و معتمدین این وجوه را فراهم نموده، نمایندگی وسیع تر و عمیق تر هیاتهای اجرایی این وجوه را گسترش دهیم. بتوانیم رابطه سازنده ای با متخصصین سرمایه گذاری که این وجوه را اداره میکنند برقرار ساخته و بخشی از استراتژیهای سهام متکی بر کارگران را که امروز مورد بحث قرار دادیم، فراتر از مرزهای ملی گسترش دهیم.

با تلاش کافی و تخصص و استراتژی درست سرمایه، ما میتوانیم اطمینان دهیم که سرمایه کارگران در آینده بجای لطمه زدن به منافع کارگران، خانواده هایشان و جوامعشان به آنها نفع خواهد رساند.

1- واتسون ویات: مروری بر سرمایه گذاری جهانی سال 2000

2- در کانادا، هلند، سوئیس و افریقای جنوبی

3- در مواردی نظیر هلند جایکه وجوه بازنشستگی بزرگ و بازارهای سرمایه نسبتا کوچک است، تعداد سهامداران خارجی این سهام قبلا از مرز صاحبان سهام داخلی فراتر رفته است.

4- همانطور که اسناد امروز کنفرانس نشان داد، تعداد صاحبان سهام خارجی از سال 1991 تا 2001 به سه برابر یعنی 32% افزایش یافته است. در سال 1999 صاحبان سهام خارجی 22% سهم بازنشستگی امریکا و 42% سهام فرانسه را در دست داشتند. هیات کنفرانس " گزارش سرمایه گذاری بنگاهی "

6- برای مثال، رفتار شرکت مورگان استنلی در مقابل کارگران اتحادیه ای

7- تا سال 1997 همه قطعنامه های صادره در رابطه با اداره بنگاهها از سوی اتحادیه ها یا به یاری وجوه اتحادیه صادر گردیده است. تحقیقات نشان میدهد که این قطعنامه های کارگری در مجموع از قطعنامه های مشابه که از سوی سایر گروههای سهامدار صادر میشود، رای بیشتری میآورند.

7- برای مثال، رجوع کنید به بکر و مکوی در مورد وجوه اجتماعی در ایالات متحده: تاریخ آنها، عملکرد مالی آنها و تاثیرات اجتماعی بر روی " سرمایه کارکن " بوسیله فانگ، هب و راجرز انتشارات دانشگاه کورنل سال 2001 یا مدیریت دارایی روی سایت دابلویو دابلویو. اس ان اس بی ا ان ک. ان ال